



### در خوشی کاریکاتوریست‌های ایرانی در مصر

دو هنرمند ایرانی، محسن رفیعی و هیبت احمدی، در سومین دور مسابقات بین‌المللی کاریکاتور الأزهر با موضوع «غزه... صمود لا ینکسر» به‌عنوان برگزیده معرفی شدند. رفیعی در بخش «پرتره کاریکاتوری» با خلق اثری از محمود درویش، شاعر نامدار فلسطینی، جایگاه نخست را کسب کرد. این مسابقه را مؤسسه فرهنگی الأزهر برگزار کرده و از نظر هیئت‌داوران اثر رفیعی ترکیبی از تکنیک‌های نوین و اصالت هنر کاریکاتور بود. هیبت احمدی نیز در بخش «کارتون» موفق به دریافت رتبه اول شد. هیئت‌داوران اعلام کرده‌اند که در انتخاب‌های‌شان به معیارهای خلاقیت، تکنیک و قدرت بیان هنری توجه داشته‌اند. هیئت‌داوران براساس معیارهای خلاقیت، تکنیک و قدرت بیان هنری انتخاب شد. در این دور از مسابقات ۶۰۰ اثر از ۲۸۲ هنرمند از ۴۹ کشور جهان حضور داشتند. برندگان علاوه بر جوایز نقدی و لوح تقدیر، فرصت نمایش آثار خود در گالری‌های معتبر مصر و انتشار آثار در کتابی مصور را به دست آوردند.



### شکایت دانشگاه هاروارد از دولت آمریکا

دانشگاه هاروارد با ثبت شکایتی در دادگاه فدرال بوستون، علیه دولت دونالد ترامپ اقامه دعوی کرد. این شکایت به‌دلیل مسدودسازی دو میلیارد دلار بودجه فدرال این دانشگاه با دستور ترامپ ثبت شده است. در لایحه شکایت‌نامه تیم حقوقی دانشگاه هاروارد بیان شده که ترامپ با بهانه مبارزه با یهودستیزی، حملاتی هدفمند برای قطع بودجه پژوهشی دانشگاه‌ها، از جمله هاروارد، سازمان‌دهی کرده است. مقام‌های هاروارد این اقدام را نقض استقلال آکادمیک و تهدیدی برای پژوهش‌های پیشرفته در حوزه‌هایی چون تغییرات اقلیمی و سلامت عمومی می‌دانند و معتقدند، این بخشی از استراتژی سیاسی برای فشار بر نهادهای آموزشی منتقد دولت است. هم‌زمان سخنگوی کاخ سفید نیز در بیانیه‌ای با لحنی تند گفته، منابع مالیاتی یک امتیاز است و هاروارد صلاحیت بهره‌مندی از این امتیاز را ندارد. این یکی از پربحث‌ترین جلال‌های حقوقی میان دولت آمریکاویکی از معتبرترین دانشگاه‌های خصوصی این کشور است.



### انتصاب مدیر جدید ساترا

پیمان جبلی، رئیس صداوسیما در حکمی جواد رمضان‌نژاد را به‌عنوان معاون رئیس جدید سازمان تنظیم مقررات صوت و تصویر فراگیر (ساترا) منصوب کرد. او جایگزین سعید مقیسه شده که از بهمن‌ماه سال ۱۴۰۰ عهده‌دار این مسئولیت بود. ساترا از معاونت‌های صداوسیما محسوب می‌شود و نهاد ناظر بر محتوای صوتی و تصویری در فضای مجازی است. وظیفه اصلی ساترا، تنظیم‌گری و نظارت بر فرآیند تولید و انتشار محتوا در فضای مجازی است. این انتصاب در حالی صورت می‌گیرد که ساترا همواره با انتقادات گسترده‌ای روبرو بوده است. منتقدان این سازمان را به اعمال سیاست‌های انحصاری و محدود کردن پلتفرم‌های پخش آنلاین ویدئو متهم می‌کنند. عده‌ای نیز عملکرد ساترا را به‌دلیل محدود کردن دسترسی آزاد به اطلاعات و سرگرمی نیز زیر سوال برده‌اند. رمضان‌نژاد که پیش‌تر مسئولیت ریاست مرکز بسیج سازمان صداوسیما را عهده‌دار بود، مدرک دکتری ارتباطات دارد.



# نویسنده‌ای که در غبار گم نشد

مروری بر زندگی و آثار **تقی مدرسی** که چهار دهه در آمریکا زیست اما همچنان به ایران می‌اندیشید و به فارسی می‌نوشت



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

سوم اردیبهشت‌ماه ۱۳۷۶ تقی مدرسی، نویسنده و روانپزشک ایرانی در بالتیمور آمریکا درگذشت و در همانجا به خاک سپرده شد. او ده‌ها بود در غربت می‌زیست و حتی به زبان انگلیسی نیز آثاری منتشر کرده بود. در عین حال نام او در ایران نیز لااقل در میان پیشکسوتان ادبیات، نامی آشنا بود. در سال ۱۳۲۵ و در حالی که هنوز تحصیل در مدرسه را به پایان نرسانده بود، نخستین مجموعه داستان‌اش را با عنوان «دائم‌الخمر» به چاپ رساند. در آن زمان ۱۴ سال بیشتر نداشت و بعدتر در گفت‌وگویی ابراز خوشحالی کرد از اینکه این مجموعه را جز سه نفر از دوستان دبیرستانی، کس دیگری به چشم ندید. داستان بلند بعدی هم که نوشت و عنوان «سایه‌های وجود» بر آن گذاشت، هیچ‌گاه به چاپ نرسید.

### آن خانه دوطبقه

متولد خیابان عین‌الدوله و سفراه امین حضور تهران در ۱۸ مهرماه ۱۳۱۱، در خانواده‌ای محترم و مدرن بود. پدرش اسماعیل نام داشت و محضر اسناد رسمی را مدیریت می‌کرد. مادرش راضیه اما نسب به رهبر روحانی مشروطه‌خواهان، سیدمحمد طباطبایی می‌برد. زنی باسواد از خانواده‌ای سیاسی بود که برای بچه‌هایش، «هفت‌پیکر» و «خسرو و شیرین» نظامی گنجوی می‌خواند و اینک با سقوط رضاشاه خانواده‌اش را دوباره در سیاست بازی یافت. خود نیز علاقه به ادبیات داشت و شایق بود به نوشتن فرزند وسط‌اش.

تقی در کودکی البته پدر را از دست داد. مدتی بعد ناچار شد به همراه مادر و دو برادرش -محمد و عبدالله- رحل اقامت افکند در خانه‌ای نزدیک خانه پدر بزرگ و وداع کند با خانه دوطبقه شلوغی که خود وصفی تماشایی از آن در گفت‌وگو با علی دهباشی به دست داده است: «در آن خانه زندگی مجزا و خصوصی اصلاً مفهوم نداشت، همه می‌توانستند در هر حادثه مهم فامیلی، از عروسی گرفته تا مجالس ختم و عزاء، شرکت کنند... در چنین محیطی کمتر فرصت می‌کردیم با خودمان تنها باشیم، اما در عوض همیشه دور و برمان از شخصیت‌های جالب و استثنایی پر بود. بیشتر بستگان من سخت به تحصیل آزاداندیشی و تحمل عقاید دیگران اعتقاد داشتند.»

### فرزندان عصر کودتا

در سال ۱۳۳۲ دوره متوسطه را به پایان رساند و برای ورود به دانشکده‌های ادبیات و پزشکی کنکور داد. طنز ماجرا آنکه، در ادبیات مردود شمرده شد. در دانشکده پزشکی اما پذیرفته شد و بعدتر گفت «به هر مفاکاتی» بوده در سال ۱۳۳۸ مدرک‌اش را دریافت کرده با تزی درباره بیماری زار که در سفری که با حسن پستا به بوشهر و بندرعباس داشت، آن را نپایی کرد. در همین سال‌های تحصیل، به کار در بانک ملی هم مشغول شد. شوق نوشتن البته همچنان با وجود تحصیل و اشتغال در وجودش بود. در زمانه تاریخی خاصی نیز به‌سر می‌برد: دهه آشوبناک ۱۳۲۰ که جدا از قدرت‌گیری حزب توده، تزلزل جایگاه سلطنت، رونمایی از شخصیتی مذهبی چون آیت‌الله کاشانی در مقام رهبری سیاسی و جلوه‌گری ملی‌گرایان پیرو مصدق که با شعار ملی‌شدن صنعت نفت، سخت دلبری می‌کردند، ادبیات و شعر نیز دوره‌ای جدید را تجربه می‌کرد که در آن آموزه‌های نوین از مضامین سوسیالیستی و ناسیونالیستی در کنار اشکال سنتی ادبیات کلاسیک قرار

# راه‌های رسیدن به سعادت

درباره مجموعه داستان **اتاق عقبی** نوشته تقی مدرسی



یاسمین طاهرزاده

کارشناس ادبیات

مدرسی شخصیت‌ها را در موقعیت‌های دشوار قرار می‌دهد و خواننده را به تفکر درباره زندگی و انتخاب‌های انسانی دعوت می‌کند. برای نمونه در داستان «اتاق عقبی»، شخصیت خانم تقفی از همسرش می‌خواهد از نابودی درخت سیب جلوگیری کند اما فایده‌ای ندارد. آقای تقفی نه‌تنها به فکر درخت سیب نیست، بلکه حتی به خود نیز اهمیت نمی‌دهد و از پر‌خوری گرفتار بیماری می‌شود. او در اتاق عقبی زمین‌گیر می‌شود؛ به‌طوری‌که تغییر هویت می‌دهد و خانم تقفی او را از اتاق عقبی صدا می‌زند؛ مکانی که بی‌اهمیت‌ترین قسمت خانه است و دیده نمی‌شود.

### در پی خوشبختی

یکی از مضامینی که در اکثر داستان‌ها تکرار می‌شود، موضوع «سعادت» است؛ اینکه چطور به خوشبختی می‌رسیم. با این همه در داستان‌ها با وجود مفهومی واحد، مسیرها برای رسیدن به آن متفاوت است. در داستان «باز لنگ» سعادت زمانی آغاز می‌شود که پرنده‌ها از جنوب کوچ می‌کنند و همه با هم روی درخت‌های تبریزی و گردو می‌نشینند: «آن وقت دوران سعادت شروع شد. دسته‌دسته شهرها برای گردش می‌آمدند، روزی یکی یا دو تا توبوس کنار جاده می‌ایستاد و یک مشت آدم تحویل می‌داد و بعد می‌رفت...» در داستان «اتاق عقبی» اما سعادت زمانی اتفاق می‌افتد که منیژه دختر خانم تقفی ازدواج کند: «منیژه... منیژه خانم، قربان شکل ماهت بروم. آن روزی که قدم از این خراب‌شده بیرون بگذاری و به خانه بخت بروی، روز سعادت من است...»

اما این نیک‌بختی که مدرسی در داستان‌ها به‌دنبال آن است، اغلب ناکام می‌ماند و در هیچ‌یک از داستان‌ها به نتیجه مطلوبی نمی‌رسد. فقط شاید در داستان آخر، «گمرک چینواد» است که با توصیفاتش که مدرسی در پایان داستان می‌آورد، گویی رضایت درونی شخصیت و امید او را بازگو می‌کند: «... من هنوز می‌خندم و نمی‌دانم چرا می‌خندم و نمی‌توانم جلوی خنده‌ام را بگیرم، می‌خندم... می‌خندم... می‌خندم... با این همه اما اگر به ابتدای داستان برگردیم که پایان داستان آورده شده است، می‌بینیم که شخصیت در ادامه باز هم خود را شکست خورده می‌بیند: «اما من هنوز فاتح بودم، فاتح شکستم یا آن طور که به دوستم گفتم، فاتح شکستگی خودم. دوستم با شنیدن این حرف نیشخندی زد و گفت: فاتح و رشکستگی ات!»

### عناصر خلاقانه و اسطوره‌های داستان‌های مدرسی

در مجموع آن چیزی که در داستان‌های مدرسی توجه ما را به خود جلب می‌کند، عناصر خلاقانه‌ای است که در هریک از داستان‌ها به‌شکل متفاوتی حضور دارد: در داستان «گویندگان و شنوندگان» بازتاب مجنون بودن شخصیت زن را این‌طور نشان می‌دهد که او تصور می‌کند فرزندش یک ساعت شمشاطه را درسته‌قورت داده است و بر این گمان پافشاری می‌کند. این زمانی اتفاق می‌افتد که همسرش را از دست داده است و غم و اندوهش را به این شکل نشان می‌دهد: «بله، آقای دکتر، یک بمب ساعتی. آقای دکتر، هرکس دست کم یک بار در زندگی یک بمب ساعتی را قورت داده، شما چطور، آقای دکتر؟» از دیگر ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به استفاده از عناصر اسطوره‌ای و دینی-البتنه‌ها به اندازه «یکلیا و تنهایی او». اشاره کرد. در داستان‌ها به‌طور پراکنده و نمادین از احادیث، اشارات دینی یا واژگان اسطوره‌ای-دینی که در دیالوگ‌های شخصیت‌ها و در دل داستان‌ها گنجانده شده، استفاده شده است. در داستان «یکلیا و تنهایی او» اما موضوع اصلی حول محور نگاه اسطوره‌ای مدرسی به عهد عتیق است و کل داستان را در برگرفته است، اما در این داستان‌های نسبتاً